

کتاب‌شناسی

- نهج البلاغه.

- ابن ابی شیبیه، محمد بن ابراهیم بن عثمان، المصنّف، بی‌جا، دار الفکر، ۱۴۰۹ ق.
- ابن دمشقی، محمد بن احمد، جواهر المطالب فی مناقب علی بن ابی‌طالب، قم، مجمع احیاء الثقافة الاسلامیه، ۱۴۱۶.
- ابن شهر دار، ابوشجاع شیرویه دیلمی همدانی، الفردوس بمأثور الخطاب، تحقیق محمد السعید بن بسیونی زغلول، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۶ ق.
- ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینه دمشق، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ ق.
- ابن ماجه، محمد بن یزید قزوینی، سنن ابن ماجه، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت، دار الفکر، بی‌تا.
- ابونعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله، تاریخ اصفهان، تحقیق سید کسروی حسن، بی‌جا، دار الکتب العلمیه، بی‌تا.
- همو، حلیه الاولیاء، بیروت، دار الفکر، بی‌تا.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۱ ق.
- بیهقی، احمد بن حسین، شعب الایمان، تحقیق ابوجاگر محمد السعید بن بسیونی زغلول، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۰ ق.
- ثقفی کوفی، ابراهیم بن محمد، الغارات، تحقیق سیدجلال‌الدین محدث، چاپخانه بهمن، ۱۳۵۳ ش.
- دیلمی، حسن بن محمد، ارشاد القلوب، قم، منشورات الرضی، بی‌تا.
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، ملل و نحل، تحقیق محمد سیدکیلانی، مصر، شرکه مکتبه و مطبعه مصطفی البابی الحلبي و اولاده، ۱۳۸۷ ق.
- شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، من لایحضره الفقیه، تصحیح علی‌اکبر غفاری، چاپ دوم، قم، جامعه المدرسین، ۱۴۰۴.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تحقیق حسن خراسان، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش.
- طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، چاپ ششم، بی‌جا، منشورات الشریف الرضی، ۱۳۹۲ ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ ق.
- کراجکی، محمد بن علی، کنز الفوائد، قم، مکتبه المصطفوی، ۱۴۱۰ ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق علی‌اکبر غفاری، چاپ سوم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ ق.
- کوک، مایکل، امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی، ترجمه احمد نمایی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۴.
- متقی هندی، کنز العمال، تحقیق شیخ بکری حیانی و شیخ صفوة السقا، بیروت، مؤسسه الرساله، بی‌تا.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
- ورام، ابوالحسین بن ابی‌فراس، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر، بیروت، دار التعارف، بی‌تا.
- یحصبی، قاضی ابوالفضل عیاض، الشفا بتعريف حقوق المصطفى، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹ ق.

سیما و سیره پیامبر اعظم ﷺ در صحیفه سجاده

□ سیدعلی سجادی‌زاده

□ عضو هیئت علمی دانشگاه علوم اسلامی رضوی

چکیده

صحیفه سجاده از منابع بسیار غنی و گران‌مایه و میراث به یادگار مانده از زینت پرستندگان است. پیامبرشناسی و آشنایی با سیره آن حضرت از طریق سخنان یکی از اهل‌ال بیت و تربیت‌شدگان پیامبر ﷺ خواسته فرهیختگان است. پیامبر اعظم ﷺ از دیدگاه امام سجاد علیه‌السلام، شخصیتی است بلندپایه و دارای جایگاه رفیعی در نزد پروردگار و بنده برگزیده اوست. امام سجاد علیه‌السلام، او را شخصیتی معرفی می‌کند که امین و وحی، امام رحمت، کلید برکت، راهنمای خیر و وسیله هدایت و نجات بشریت است.

امام سجاد علیه‌السلام در مقام بیان سیره پیامبر ﷺ، به دو بخش از سیره عملی آن حضرت (سیره تبلیغی و جنگی) اشاره فرموده است؛ پیامبر ﷺ با انگیزه خالص و به منظور اعزاز دین خدا با خیرخواهی تمام و شهادت کامل با تحمل سختیهای فراوان، حتی با هجرت از شهر محبوب و زادگاه خویش (مکه) به تبلیغ رسالت خویش پرداخت. در سیره جنگی نیز با استعانت از ذات حق و به کارگیری تاکتیک تهاجمی بر سر دشمنان تاخت و نتیجه زحمات آن

حضرت، رسیدن به اهداف عالی، پیروزی بر دشمنان، ایجاد امنیت برای موخدان و اعتلای کلمه توحید بود.
کلید واژگان: پیامبر ﷺ، امام سجاد علیه السلام، سیمای پیامبر ﷺ، سیره تبلیغی، سیره جنگی، صحیفه سجادیه.

درآمد

خداوند می فرماید: «لقد كان لكم في رسول الله أسوة حسنة لمن كان يرجو الله واليوم الآخر و ذكر الله كثيراً» (احزاب/ ۲۱)؛ البته شما را در اقتدای به رسول خدا چه در صبر و مقاومت و چه در اوصاف و افعال نیکو، خیر و سعادت بسیار در نزد خداست برای آن کس که به ثواب خدا و روز قیامت امیدوار باشد و یاد خدا بسیار کند (ترجمه الهی قمشه‌ای).

در زمانی قرار گرفته‌ایم که بیشترین نیاز را به شناخت سیره و سیمای اسوه حسنه و تأثیر گذارترین شخصیت عالم هستی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم داریم، اما سوگمندانه باید گفت که آن حضرت مظلوم‌ترین شخصیت را حتی در میان مسلمانان و به اصطلاح پیروان خود دارد.

آری این انسان والا که باید نماد همه بشریت باشد، مظلوم همه بشریت است. در این بین افرادی هستند که نسبت به این نیاز احساس مسئولیت می کنند و برای شناخت او و آگاهی از سیره آن حضرت به منابع گوناگون مراجعه می نمایند؛ برخی برای شناخت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و آشنایی با سیره و سیمای او به قرآن روی می آورند که کاری بسیار پسندیده و خوب است و برخی نیز به کتب سیره و تاریخ همچون سیره ابن هشام، طبقات ابن سعد، تاریخ یعقوبی، تاریخ طبری و... اعتماد می کنند.

آنچه مورد غفلت قرار گرفته است، شناخت سیمای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از دید و زبان فرزندان معصوم آن حضرت، به ویژه در سخن و بیان زینت پرستندگان، امام علی بن حسین علیه السلام و انشای منسوب به آن حضرت یعنی صحیفه سجادیه می باشد.

این جستار بر آن است که با مروری در صحیفه سجادیه، سیمای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را از زبان امام سجاد علیه السلام باز گوید.

مفهوم لغوی سیما و سیره

شایسته است در آغاز سخن منظور نگارنده از دو واژه سیما و سیره روشن شود. سیما در لغت به معنای «هئیت، علامت، نشان، روی، چهره و قیافه» است (معین، ۱۳۷۶: ج ۲، ذیل واژه «سیما»). مراد نگارنده از این واژه، بیان ویژگیها و فضایل پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم و صفات آن حضرت از قبیل عبد خدا بودن، نبی و رسول خدا بودن، خاتم پیامبران و برگزیده بودن است نه یادکرد شمایل و اخلاق آن حضرت؛ به عبارت دیگر، در بخش یادکرد از سیمای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از صحیفه سجادیه، به دنبال ویژگیهای آن حضرت هستیم که موهبتی الهی به آن بزرگوار است؛ هر چند قابلیت‌های کرداری و عملکرد آن حضرت، او را شایسته چنان انتخابی نموده است.

سیره در لغت، اسم مصدر از واژه «سیر» است. «سیر» به معنای «رفتن در روی زمین، جریان داشتن و حرکت کردن» است و سیره به معنای «روش و طریقه» است، اما به تدریج به معنای «اخلاق»، «شهرت»، «سرگذشت»، «تاریخ و زندگانی» نیز به کار رفته است.^۱

مراد نویسنده از واژه «سیره» در این مقاله، روش و سبک، اسلوب کار، نوع رفتار و منطقی که فرد در رفتار خود برای رسیدن به مقاصد به کار می برد (مطهری، ۱۳۸۳: ۱۸/۹ و ۲۴)؛ بنابراین، گفتار را در دو بخش پی می گیریم:

- الف) سیمای پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم در سخنان امام سجاد علیه السلام؛
- ب) سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم در صحیفه سجادیه.

الف) سیمای پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم در سخن امام سجاد علیه السلام

روزگار امام سجاد علیه السلام برای اسلام و شیعه از سیاه‌ترین دوران تاریخ است. فرزند

۱. ابن فارس درباره این واژه چنین می نویسد: «السين و الیاء و الرءاء، أصل يدل علی مضی و جریان، يقال: سار یسیر سیراً و ذلك یكون لیلاً و نهاراً. و السیرة الطریقة فی الشئ و السنّة؛ لأنها تسیر و تجری (۱۴۰۵: ج ۳، ذیل ماده «سیر»)؛ زمخشری نیز می نویسد: «س ی ر» رجل سیار، سار من بلد إلی بلد و من المجاز سار الوالی فی الرعیة سیره الحسنة و أحسن السیر» (بی تا: ۲۲۶)؛ راغب اصفهانی می نویسد: «السیر: المضی فی الأرض... و السیرة حالة التي یكون علیها الإنسان و غیره» (۱۴۰۴: ۲۴۷).

پیامبر ﷺ و علیؑ را با همهٔ جوانان و برادران و یاران او به خون می‌کشند، زنان و دختران او را به اسیری می‌برند و در منابر، بزرگ‌مرد خاندان نبوت را لعن می‌گویند. پس از شهادت امام حسینؑ غبار مرگ و دل‌مردگی بر اعضای جامعهٔ اسلامی نشسته، به معنای واقعی کلمه، همه بریده‌اند. تعبیر امام صادقؑ گویای این مطلب است: «ارتد الناس بعد قتل الحسينؑ إلا ثلاثة؛ أبوخالد الکابلی و یحیی ابن امّ الطویل و جیر بن مطعم» (طوسی، ۱۴۰۴: ۴۴)؛ مردم پس از شهادت امام حسینؑ از دین برگشتند مگر سه تن؛ ابو خالد کابلی، یحیی ابن امّ طویل و جیر بن مطعم. در برخی نقلها جابر بن عبدالله انصاری افزوده شده است (همان)، ولی بر اثر تلاشهای امام سجادؑ مردم به طرف آیین حق برگشتند و فراوان شدند.

شاید برخی به غلط چنین تصور کنند که پیشوایان شیعه و فرزندان حسینؑ پس از حادثهٔ کربلا، از سیاست کناره گرفتند و به ارشاد، عبادت و انقطاع از دنیا پرداختند. یا برخی گمان کنند که پیشوایان شیعه، مردمی ستم‌کش بوده‌اند و چنین بیندارند که این پیشوایان مظلوم از رهبری دوری می‌جسته‌اند و امت به این دوری گزیدن آنان اقرار دارد و پیشوایان به سبب دور شدن از رهبری، انواع محرومیتها و شکنجه‌ها را می‌کشیدند و بر این گفتهٔ خود به تاریخ زندگانی امام سجادؑ استناد کنند. اینان غافل‌اند که امام سجادؑ به مسئولیت خویش در نگهداری مکتب و مصون نگاه داشتن آن از فروافتادن در ورطهٔ انحراف و جدا شدن از ارزشها آگاه بود و تدبیر لازم را در جهت حفظ کیان اسلام به کار گرفت.

یکی از راهها و مواضعی که امام سجادؑ به این منظور اندیشیده و در پیش گرفته، استفاده از غالب دعا به عنوان میان‌برترین جاده‌ها برای راهنمایی و هدایت امت به سوی خدا و توجه دادن به سیما و سیرهٔ خاتم پیامبران و اهل بیت پاکش بود. صلوات فرستادن بر پیامبر ﷺ و خاندان پاک او با عبارات گوناگون و ترکیباتی در اوج زیبایی نوعی توجه دادن به انسانها به الگوهای زیبایی است که می‌توانند به اصلاح جامعه کمک کنند.

امام سجادؑ با بیانهای زیبا و پرجاذبهٔ خود، سیمای درخشان و سیرهٔ سراسر حرکت و تلاش و پرجوش و خروش پیامبر ﷺ را معرفی می‌کند و به کسانی که

ادعای هدایت و زعامت امت را دارند، می‌آموزد که باید پاکی، مهربانی، دریافت درست و صحیح پیامها، تاکتیکها، روشها، تحمّل مشکلات و زحمات را از خاتم پیام‌آوران الهی و خاندان پاک او فراگیرند.

چهرهٔ درخشان و سیمای تابناکی که امام سجادؑ از پیامبر اعظم ﷺ برای ما تصویر می‌کند - طبق برداشت نگارنده از سخنان ایشان - بدین گونه است: پیامبر خدا شخصیتی است با جایگاهی رفیع در نزد پروردگار، دوست و برگزیدهٔ او و امین وحی، امام رحمت و پیشوای مهربانی. اوست آقای پیامبران و فرشتگان الهی و راهنمای خیر و کلید برکت و نشانهٔ راهنمایی به سوی حضرت دوست و وسیلهٔ هدایت و نجات بشریت. پیامبر ﷺ کسی است که باید به عنوان ادای حق و وفای به پیمان، مدام بر او درود فرستاد و برایش از حضرت حق بالاترین درجات و مقام را درخواست نمود.

عناوینی که در نیشهای امامؑ برای پیامبر اعظم ﷺ آمده، چنین است: امام رحمت (دعای ۲)، امین وحی (دعای ۲)، حبیب (دعای ۴۸)، خاتم النبیین (دعای ۱۷)، خیره (دعای ۶، ۳۴ و ۴۸)، رسول الله (دعای ۳، ۲۳، ۲۴، ۴۸ و...)، سید المرسلین (دعای ۶)، صفوه (دعای ۴۸)، صفی (دعای ۲)، عبد (در دعاها متعدد)، علم (نشانه)، قائد خیر (دعای ۲)، المحمدیة الرفیعة (دعای ۴۸)، مصطفی (دعای ۴۷)، مفتاح برکت (دعای ۲)، مقرب، ملهم، مکرم و منتجب (دعای ۴۷)، نبی (دعاها متعدد) و نجیب (دعای ۲).

جایگاه رفیع پیامبر اعظم ﷺ در نگاه امام سجادؑ

از نگاه امام سجادؑ پیامبر اعظم ﷺ جایگاه رفیعی دارد که با توسل به آن می‌توان به مقام قرب حق رسید و با توجه به منزلت آن حضرت به دفع شر و نقشه‌های پلید دشمنان پرداخت در فرازهای پایانی دعای ۴۹ صحیفه که درخواست امامؑ برای دور ساختن مکر و فریب دشمنان و بازگرداندن سختیها و گرفتاریهای به وجود آمده از سوی آنان می‌باشد، می‌فرماید:

اللهم فإني أتقرب إليك بالمحمدية الرفیعة و العلوية البيضاء و أتوجه إليك بهما أن تعيدني من شرّ كذا و كذا...؛ فهب لی یا إلهی من رحمتك و دوام توفیقك ما أتخذة سلماً أخرج به إلى رضوانك و آمن به عقابك یا أرحم الراحمین؛

بارخدا یا! پس من به بوسیله منزلت بلند پایه محمد ﷺ و مقام نورانی و گرامی علی ائمه به سوی تو تقرب می طلبم و به سبب آنان به درگاهت روی می آورم که مرا از شر دیدن آنچه از شر آن پناه می طلبند، پناه دهی...؛ پس ای خدای من! از مهربانی و توفیق دانمیت به من چیزی را ببخش که آن را نردبان عروج به خشنودیت قرار دهم و از کیفیت ایمن گردم، ای مهربان ترین مهربانان.

صلوات امام سجاد علیه السلام بر پیامبر ﷺ

پس از ثنا و ستایش الهی و سپاسگزاری به درگاه او، شاید بیشترین توجه امام سجاد علیه السلام به درخواست صلوات و درود حضرت حق بر پیامبر ﷺ و بر خاندان پاک او باشد. حدود ۲۲۰ مرتبه در صحیفه سجادیه بر پیامبر صلوات فرستاده و سلام اهدا شده است.

چنان که گذشت صلوات فرستادن امام سجاد علیه السلام بر پیامبر ﷺ و خاندان پاک او نوعی توجه دادن به انسانها و الگوهای زیبایی است که می توانند به اصلاح جامعه کمک کنند. به تعبیر استاد محمدرضا حکیمی «امام با تکرار بسیار ذکر صلوات و درود بر محمد و آل محمد، نظام صالح و حکومت حقه را به یادها می آورد و رهبران عدالت کلی را می شناساند و یاد مرییان الهی را زنده می کند و رژیم صالح را معرفی می نماید (۱۳۵۶: ۲۵).

امام علیه السلام در اغلب دعاهای صحیفه به صورتهای گوناگونی بر پیامبر درود می فرستد. اهمیت صلوات بر هیچ مسلمانی پوشیده نیست، هنگامی که خدای تبارک و تعالی در قرآن می فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ (احزاب/ ۵۶)، آشنایان با ادب عربی می دانند که فعل مضارع، بیان کننده استمرار و دوام و تجدید است؛ یعنی خداوند و فرشتگان او پیوسته بر نبی صلوات می فرستند و به اهل ایمان نیز فرمان می دهد که بر آن حضرت صلوات بفرستند.

درخواست درود از حضرت حق برای پیامبر خاتم و خاندان پاک او، از سویی نشان دهنده پذیرفتن دعوت رسول خدا و جانشینی امامان علیهم السلام و از سویی دیگر، نشان دهنده محبت به او و اهل بیت پاک اوست و از جهتی نیز تجدید بیعت در استمرار راه پیامبر ﷺ و امامان معصوم علیهم السلام می باشد.

امام صادق علیه السلام در فلسفه صلوات امت بر پیامبر ﷺ می فرماید: «کسی که بر پیامبر ﷺ درود می فرستد، بدین معناست که من به پیمانی که در عهد آلت بسته ام، وفادارم» (شیخ صدوق، ۱۳۶۱: ۱۱۶).

کلینی در کتاب اصول کافی بابی را با عنوان «الصلوة علی النبی محمد و اهل بینه» گشوده و در آن ۲۱ حدیث درباره اهمیت صلوات و آثار آن، به ویژه به عنوان شرط اجابت دعا، آورده است (۱۴۱۱: ۲/۴۶۰-۴۶۴).

علامه طباطبایی ذیل آیه شریفه مذکور، پس از ذکر یک حدیث از اهل سنت و اشاره به هیجده حدیثی که سیوطی دلالت آنها را بر تشریک آل پیامبر ﷺ در صلوات می داند، می نویسد: «روایات شیعه در این باب، فوق حد احصاست و شمارش ناشدنی است» (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱۶/۳۴۴).

در برخی موارد، امام علیه السلام برترین درودها و هدیه های جاودان و بی شمار را نثار پیامبر اعظم ﷺ کرده، می فرماید: «اللهم صل علی محمد عبدك و رسولك و آل محمد، صلاة عالية على الصلوات، مشرفة فوق التحيات صلاة لا ينتهي أمدها و لا ينقطع عددها كاتم ما مضى من صلواتك على أحد من أوليائك» (دعای ۲۷) یا در دعای ۱۳ می فرماید: «و صل علی محمد و آلہ صلاة دائمة نامية لا انقطاع لأبدها و لا منتهی لأمدها و اجعل ذلك عوناً لی و سبباً لنجاح طلبتی، إنك واسع کریم». در این فراز، امام ضمن درخواست درود همیشگی رشد کننده و بی پایان، به فلسفه صلوات اشاره می کند که صلوات، کمک و وسیله برآمدن حاجت می باشد.

در نیایش ۳۲ که دعای آن حضرت پس از به جا آوردن نماز شب است، می فرماید: «اللهم صل علی محمد و آلہ إذا ذکر الأبرار و صل علی محمد و آلہ ما اختلف الليل و النهار صلاة لا ينقطع مددها و لا يحصى عددها صلاة تشحن الهواء و تملأ الأرض و السماء، صلى الله عليه حتى يرضى... و بعد الرضا صلاة لا حد لها و لا منتهی». در این دعا امام درخواست درود حق را بر محمد و خاندان او می نماید آن هم تا هنگامی که نیکان یاد شوند و شب و روز در پی هم آیند؛ درودی که همیشه باشد، به شمار نیاید، آسمان و زمین را فراگیرد تا آنجا که خشنود گردد و پس از خشنود شدن، درودی که مرز و پایانی ندارد.

در دعای ۴۴ در هر زمان، در هر لحظه و در هر حال، به شماره کسانی که خداوند بر آنها درود فرستاده و چند برابر همه آنها که جز خدا شمار آنها را نمی‌داند، درخواست درود می‌کند: «اللهم صلّ علی محمد و آله فی کلّ وقت و کلّ أوان و علی کلّ حال، عدد ما صلّیت علی من صلّیت علیه و أضعاف ذلك كلّه بالأضعاف التي لا یحصیها غیرک».

از نکته پایانی دعای ۴۸ (روز اضحی و جمعه) برمی‌آید که امام علیه السلام در این دو عید بزرگ اسلامی، افزون بر اینکه در لابه‌لای دعا مکرر بر پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات می‌فرستد، پس از دعا نیز یک هزار مرتبه بر پیامبر خدا صلوات می‌فرستد و از خواننده دعا نیز می‌خواهد که چنین دعا کند: «ثمّ تدعو لك بما بدا لك و تصلّی علی محمد و آله ألف مرّة، هكذا كان یفعل علیه السلام».

پیامبر اعظم، امام رحمت (پیشوای مهربانی)

شاید بتوان گفت برجسته‌ترین صفت پیامبر که در قرآن آمده و امام سجاد علیه السلام نیز در صحیفه به آن اشاره کرده و بیشترین جاذبه را برای انسانها در پیوستن به پیامبر صلی الله علیه و آله داشته، امام رحمت بودن ایشان است؛ بدین معنا که آن حضرت، از ابعاد گوناگون، رحمت برای همه جهانیان است؛ به گونه‌ای که برخورد رحیمانه او حتی با دشمنان عنود و کینه‌توز و شفاعت اخروی آن بزرگوار برای امتش، خود رحمت است. حتی می‌توان گفت: جنگهای آن حضرت که به انگیزه برطرف کردن موانع تفکر بشر و آزادی او از چنگال اهریمن و بتهای گوناگون بود، نیز رحمت می‌باشد.

در دعای دوم صحیفه، این ویژگی یاد شده است. سیدعلی خان مدنی، شارح صحیفه، در شرح این عنوان چنین می‌گوید: «امام یعنی پیشوا (رهبر و رئیسی که به او اقتدا می‌شود)، رحمت، مهربانی، میل و دل‌سوزی نسبت به آفریده‌ها و لطف در حق آنها و یا اراده رساندن خیر به آنها (۱:۴۲۵/۱:۴۵۷). همو می‌نویسد: «اضافه امام به رحمت یا به معنی لام اختصاص است، یعنی امام ویژه رحمت، یا اضافه بیانی است که معنای آن، امامی از جنس رحمت است؛ پس امامی که وجودش رحمت است، گویا خود رحمت است و این به آیه شریفه «و ما أرسلناك إلاّ رحمة للعالمین» (انبیاء/۱۰۷) اشاره دارد (همان).

در حدیث آمده است: «إنما أنا رحمة مهداة»؛ من رحمت هدیه شده به آفرینندگان هستم (مجلسی، بی‌تا: ۱۱۵/۱۶) و در حدیثی دیگر آمده است: «جعلنی رسول الرحمة»؛ پروردگار مرا رسول رحمت قرار داده است (همان: ۹۳ و ۹۴).

امین وحی

این ویژگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در دعای دوم صحیفه آمده است. پیامبر صلی الله علیه و آله پس از بعثت به سبب امانت‌داری و اطمینانی که مردم به وی داشتند، به «امین» شهرت یافته بود.^۱ خداوند رحمان نیز او را امین وحی خویش قرار داد و کلام و قرآن خویش را به وی سپرد.

امین بودن آن حضرت در دریافت وحی، نگهداری اسرار و علوم آن، پیشگیری حکیمانه از ضایع شدن و از بین رفتن آن و اندیشیدن تمهیداتی برای حفظ آن از تحریف، مطلبی است که بر خواننده روشن است و نیاز به توضیح ندارد.

رسول و نبی

رسول و نبی دو ویژگی دیگری است که در صحیفه، مکرر برای پیامبر صلی الله علیه و آله یاد شده است (دعای ۲، ۴، ۶، ۴۲، ۴۵ و ۵۴). رسول از رسل گرفته شده که به گفته ابن فارس، دارای یک ریشه است و به معنی «حرکت کردن و امتداد» است (۱:۴۰۵: ذیل ماده «ر س ل»).
راغب اصفهانی می‌نویسد:

ریشه «ر-س-ل» به معنی «راه رفتن با تانی» است و از همین معناست رسولی که برانگیخته شده است. از این لفظ گاهی معنای رفق و مدارا اراده می‌شود و گاهی معنای برانگیختگی. رسول گاهی به پیام و گاهی به شخص پیام‌آور اطلاق می‌شود (۱:۴۰۴: ذیل ماده «ر س ل»).

با توجه به آنچه راغب گفته، علت اطلاق رسول بر شخصی که برای هدایت

۱. پیش از بعثت در جریان بازسازی کعبه، به سبب قرار دادن حجرالاسود در جای خود بین سران قریش مشاجره شد؛ به گونه‌ای که نزدیک بود نزاع به جنگ بکشد که با آمدن رسول خدا گفتند: یا محمد الامین! قد رضینا بك (مجلسی، بی‌تا: ۱۱۴/۱۶)؛ ای محمد امین (ما به داوری تو) خوشنودیم و نقل شده است که مدتها قبل از بعثت به این صفت (امین) نامیده شده بود (همان: ۱۱۸).

مردم آمده، روشن می‌شود؛ زیرا با نرمی در حرکت و رفتار و با مدارا مردم را راهنمایی می‌کند.

نبی از ماده «نبا» یا «نبوء» گرفته شده است. علامه مجلسی می‌نویسد: رواست که نبی از «انباء» به معنای «خبر دادن» باشد و احتمال دارد که از «نبا» و به معنای «بالا رفتن» باشد. پیامبر ﷺ به این عنوان نامیده شده است؛ چون مرتبت بالایی دارد و او برگزیده خداوند از میان آفریدگان است (بی‌تا: ۱۱۹/۱۶)، لکن خلیل بن احمد می‌نویسد: «النبا، الخبر... والنبي يقال: الطريق الواضح يأخذك إلى حيث تريد» (۱۴۱۴: ۷۸۴). چنان که ملاحظه می‌شود، خلیل معنای رفعت و بلندمرتبیگی را در معنای واژه «نبا» یاد نمی‌کند، بلکه معنای دیگری برای نبی می‌آورد؛ یعنی راه روشنی که تو را به هر جا بخواهی، می‌برد.

ابن فارس می‌نویسد: کسانی که واژه «نبی» را همزه داده‌اند، گویا آن را از «نبا» به معنای «خبر» گرفته‌اند و احتمال دارد نبی، اسم از «نبو» و به معنای «ارتفاع» باشد. گویا پیامبر ﷺ با مقام بلندش بر سایر مردم برتری داده شده است (۱۴۰۵: ذیل ماده «نبو» و «نبا»). راغب نیز به صورت صریح، در معنای ماده «نبا» اظهار نظر نمی‌کند (ر.ک: ۱۴۱۴: ذیل ماده «نبا»).

خاتم پیامبران

در دعای هفدهم در فرازی که امام ﷺ بر محمد به عنوان خاتم پیامبران و سرور فرستادگان (سید المرسلین) و خاندان پاک او درود می‌فرستد، درخواست پناه برای خود، کسان، برادران و همه مردان و زنان باایمان از دروغها، وعده‌ها، فریبها و دامهای شیطان می‌نماید.

خاتم در لغت «به چیزی که به وسیله آن به چیزی پایان می‌دهند»، معنا شده است. مهری که پس از بسته شدن نامه بر روی آن زده می‌شود خاتم نامیده می‌شد. پایان یافتن نبوت به وسیله پیامبر ﷺ امری شناخته شده بین مسلمانان بوده و هست.^۱

۱. این ویژگی را امام ﷺ از قرآن اقتباس فرموده است؛ آنجا که می‌فرماید: «ما كان محمد أباً أحد من رجالكم و لكن رسول الله و خاتم النبيين» (احزاب / ۴۴).

خیره (برگزیده)

امام ﷺ در تعدادی از دعاها صحیفه (دعای ۶ ۳۴ و...) به ویژگی برگزیده بودن پیامبر ﷺ اشاره می‌نمایند و گاهی از این ویژگی با تعبیرهای دیگری چون «صفی» (دعای ۲)، «مصطفی» و «صفوه» (دعای ۴۷) یاد می‌کند.

گزینش پیامبر ﷺ از سوی خدا نشانگر افاضه کمال نبوت بر او بر اساس قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها و استعداد آن حضرت است. امیر مؤمنان ﷺ می‌فرماید: «كلما نسخ الله الخلق فرقتين جعله في خيرهما (نهج البلاغه: خطبة ۲۱۴)؛ هرگاه خداوند آفریدگان را به دو فرقه نمود، پیامبر را در بهترین آنها قرار داد».

سیمای عبودیت

امام سجاده ﷺ در دعاها مختلفی از صحیفه (دعای ۶ ۲۴، ۲۷ و...) عبد خدا بودن آن حضرت را مورد تأکید قرار داده، به آن شهادت می‌دهد.

مقام عبد خدا بودن افتخاری بزرگ است برای آن حضرت که خود را از روی تواضع، بنده‌ترین بندگان می‌نامید. علامه مجلسی از امام صادق ﷺ روایت کرده است که گذر زنی بیابان‌نشین یا بدزبان (بدویه یا بدیه) به پیامبر ﷺ افتاد که روی زمین مشغول غذا خوردن بود، گفت: ای محمد! به خدا سوگند تو همانند بنده می‌خوری و می‌نشینی! رسول خدا ﷺ فرمود: «ويحك! أي عبد أعبد مني؟ (بی‌تا: ۲۲۶/۱۶) کدام بنده از من بنده‌تر است».

پروردگار سبحان نیز در سوره اسراء او را به این نشانه یاد می‌کند: «سبحان الذي أسرى بعبده ليلاً من المسجد الحرام إلى...» (اسراء / ۱).

ابن فارس درباره ریشه عبد می‌گوید: «أصلان صحيحان والأول يدل على لين و ذل و الآخر على شدة و غلظة (۱۴۰۵: ذیل ماده «عبد»); عبد دو ریشه معنایی دارد: یکی به معنای نرمش و کوچک کردن خود و دیگری به معنای شدت و صلابت».

پیامبر اعظم ﷺ در مقام بندگی پروردگار و رعایت حقوق مردم بسیار متواضع و فروتن بود و در برخورد با معاندان و در مقام اقامه حق، بسیار سخت و باصلابت بود و تحت تأثیر فشارهای روانی و دخالت دیگران قرار نمی‌گرفت.

ب) سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در صحیفه سجادیه

سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ابعاد گوناگونی دارد، ولی در سخن امام سجاد علیه السلام بر دو بعد خاص و تأثیرگذار از سیره نبوی تکیه شده است: یکی سیره تبلیغی و دیگری سیره جنگی و تدبیرات نظامی.

سیره تبلیغی

امام علیه السلام در فرازهای گوناگونی به ابعاد مختلفی از سیره تبلیغی آن حضرت اشاره می‌نماید که در ذیل آنها را پی می‌گیریم.

۱. انگیزه خالص و هدف والا

پیامبر صلی الله علیه و آله به هدف و رسالت خویش ایمان داشت و در عمل به دستورات الهی، مشکلات فراوانی را تحمل کرد. در راه تبلیغ دین خدا استقامتی شگفت‌انگیز از خود نشان داد. انگیزه آن حضرت طبق بیان امام سجاد علیه السلام، اعزاز دین خدا و شکست دادن کافران به حضرت حق با نحل‌های گوناگون بود.

امام سجاد علیه السلام در فرازهایی از دعای دوم، ضمن اشاره به قیام پیامبر صلی الله علیه و آله برای اجرای فرمان خدا و قرار دادن جسم خویش را در معرض امور ناخوشایند و همچنین به رنج افکندن جان شریفش در تبلیغ رسالت و دعوت به آیین حق و کوچیدن به بلاد غربت می‌فرماید: «إرادة منه لإعزاز دینک و استنصاراً علی أهل الکفر بک؛ هجرت و تحمل همه رنجها و شکنجه‌ها به انگیزه ارجمند نمودن دین تو و یاری خواستن برای غلبه بر اهل کفر بود».

۲. نصیح و خیرخواهی

در فرازهای گوناگونی در دعا‌های مختلف، امام علیه السلام به این ویژگی در تبلیغ پیامبر صلی الله علیه و آله توجه می‌دهند. در دعای دوم می‌گوید: «و شغلها بالنصح لأهل دعوتک؛ خود را به نصیحت و خیرخواهی خالصانه کسانی که آنان را به راه حق دعوت کردی، مشغول داشت».

در دعای ششم می‌فرماید: «و أمرته بالنصح لأمته فنصح لها؛ او را به رساندن

پیامت به طور خالص به امتش امر فرمودی، پس آنها را پند داد».

و در فرازی از دعای ۴۲ می‌فرماید: «و نصح لعبادک؛ پیامبر خالصانه بندگانت را پند داد».

نکته جالب توجه اینکه درباره مخاطبان پیامبر صلی الله علیه و آله گاهی به اصطلاح «اهل دعوت»، گاهی «امت» و گاهی «عباد» تعبیر می‌شود. روح این تعابیر با یکدیگر اختلافی ندارد؛ چون خداوند همه را به طرف سعادت دعوت می‌فرماید: ﴿و الله یدعوا إلى دار السلام﴾ (یونس / ۲۵) و تمام افراد از زمان بعثت تا برپایی قیامت، امت آن حضرت (امت دعوت) به شمار می‌آیند. همه مردم بندگان خداوند و پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله همه را خالصانه پند می‌داد و ناسازگاریها و آزار آنها را تحمل می‌کرد.

۳. محتوای پیام

رسالت الهی، فرمان او و قرآن، محتوای تبلیغ پیامبر صلی الله علیه و آله را تشکیل می‌داد. سخنان حضرت حق، قرآن، که علم آن به طور کامل و آگاهی از شگفتیهای آن به ایشان الهام شده بود.

در دعای ۴۲ (دعای ختم قرآن) آمده است: «و ألهمته علم عجائبه مکملاً؛ دانش به شگفتیهای قرآن را به طور کامل به آن حضرت الهام فرمودی». در همین دعا می‌فرماید: «فصل علی محمد الخطیب به؛ بر محمد که به آن خطبه خواند [و مردم را پند داد] درود فرست».

در هنگام درخواست بهترین پاداشها برای پیامبر نیز به مقوله محتوای پیام اشاره می‌کند: «اللهم أجزه بما بلغ من رسالتک و أدی من آیاتک و نصح لعبادک و جاهد فی سبیلک أفضل ما جزیت أحداً من ملائکتک المقربین و أنبیائک المرسلین» (دعای ۴۲).

روش پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله برای گویندگان و نویسندگان دینی، درسی جالب و الگویی مناسب است که محتوای پیام و تبلیغ خویش را قرآن قرار دهند.

۴. روش تبلیغ

پیامبر صلی الله علیه و آله همان گونه که از طرف خداوند مأمور شده بود، در رساندن پیام الهی به

مردم به صورت روشن و واضح، جامه عمل پوشید: «فاصدع بما تؤمر و أعرض عن المشركين» (حجر/۹۴)؛ یعنی به صدای بلند آنچه را مأموری، به خلق برسان و از مشرکان روی بگردان. امام علیه السلام در فرازی از دعای ۴۲ به این روش اشاره می‌کند: «صدع بأمرک».

۵. به کام مشکلات رفتن و تحمل آنها

امام علیه السلام در فرازهایی از دعای دوم که ویژه صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله است، به بعد دیگر از سیره آن حضرت تصریح می‌فرماید: «عرض فيك للمكروه بدنه و أدأب نفسه في تبليغ رسالتك و أتعبها بالدعاء إلى ملئتک؛ در راه رساندن دین به مردم تن خویش را آماج هرگونه آزار ساخت و در رساندن پیام الهی، خویش را خسته کرد و با دعوت به دین تو، خود را به رنج افکند».

۶. شهامت و شجاعت

از ویژگیهای برجسته پیامبر صلی الله علیه و آله در تبلیغ دین خدا، شهامت و شجاعت در برخورد با مخاطبان عنود حتی از نزدیکان خود بود. می‌دانیم که درافتادن با خویشان و مبارزه با راه و رسم جاهلانۀ آنان، کار مشکلی است که شهامتی ویژه می‌طلبد.

امام علیه السلام در فرازهای مختلفی از دعای دوم به این ویژگی اشاره می‌کند: «کاشف فی الدعاء إليك حاتمته و حارب فی رضاك أسرته و قطع فی إحياء دينك رحمه و أقصى الأدين علی جحودهم و قرب الأقصين علی استجابتهم؛ در دعوت مردم به سوی تو با خویشاوندانش [کسانی که زیر بار نمی‌رفتند] دشمنی آشکار نمود و در راه خشنودی تو با قبیله‌اش کارزار نمود و در زنده نگهداشتن دین تو از خویشانش برید و نزدیکان عنود را به سبب انکارشان طرد کرد و بیگانگان را به سبب پذیرش [آیین حق] نزدیک نمود».

۷. پذیرش هجرت

کوچیدن به بلاد غربت و دور شدن از زادگاه و محیطی که انسان به آن خو گرفته، کاری دشوار است. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به رغم علاقه فراوانش به مکه، به سبب اعزاز

دین و به دست آوردن محیطی مناسب برای رساندن پیام الهی به گوش دیگران از زادگاه خویش کوچ کرد؛ کوچی موقت به طائف و هجرتی همیشگی به یثرب که در تاریخ اسلام به مدینه النبی (شهر پیامبر) نامبردار شد: «و هاجر إلى بلاد الغربة و محلّ النای عن موطن رحله و موضع رحله و مسقط رأسه و مأنس نفسه» (دعای ۲).

سیره جنگی و تدبیرات نظامی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

به طور معمول، بزرگانی که به سیره پیامبر صلی الله علیه و آله پرداخته‌اند، از اخلاق و سیره آن حضرت در امور شخصی، همچون لباس پوشیدن، غذا خوردن، چگونگی نشستن، عبادت کردن، برخورد با زنان و کودکان و زبردستان، عفو و گذشت و سیره اجتماعی و تبلیغی آن حضرت سخن به میان آورده‌اند. اما به نظر می‌رسد که در بخش سیره جنگی و تدبیرات نظامی آن حضرت کمتر سخن گفته شده و از برخی جهات، تحلیل سیره ایشان به طور کلی مورد غفلت قرار گرفته است، در حالی که در سخن امام سجاد علیه السلام این بخش از سیره نبوی برجستگی خاصی دارد.

۱. تکیه بر امداد غیبی و توجه به ضعف ظاهری

امام سجاد علیه السلام در فرازهایی از دعای دوم به این واقعیت توجه می‌دهد که پیامبر صلی الله علیه و آله به لحاظ ظاهری از حیث عدّه و عدّه، ناتوان و ضعیف بود، اما با یاری خواستن و پیروزی طلبیدن از خداوند و نیرو خواستن از او، ضعف خویش را به قوت مبدل کرد و با اعتماد به یاری الهی و امداد غیبی، حرکت خویش را در میدانهای نبرد آغاز نمود.

امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «فنهذ إليهم مستفتحاً بعونك و متقوياً علی ضعفه بنصرک (دعای ۲)؛ در حالی که به مدد تو یاری می‌طلبید و با ناتوانیش به یاری تو نیرو می‌یافت به جنگ دشمنان و اهل کفر به پا خواست».

۲. تاکتیک تهاجمی؛ شیوه کار آمد پیامبر صلی الله علیه و آله

پیامبر صلی الله علیه و آله برای تضعیف روانی و روحی دشمنان و شکست آنان و برطرف کردن

موانع توحید و آزادی بشریت از بتهای گوناگون، از تاکتیک تهاجمی و تاختن بر دشمنان استفاده می کرد. این، نکته برجسته دیگری است که امام سجاد علیه السلام به آن تصریح می فرماید: «فغزاهم فی عقر دیارهم و هجم علیهم فی بحبوحه قرارهم (دعای ۲)؛ با دشمنان در میان خانه هایشان جنگید و در وسط منازلشان، ناگهان بر آنها تاخت».

امام علی علیه السلام، بزرگ ترین شاگرد مکتب پیامبر صلی الله علیه و آله، هنگامی که خبر تهاجم سربازان معاویه را به شهر انبار در سال ۳۸ هجری شنید و سستی مردم کوفه را دید، درباره فضیلت جهاد و دعوت به آن، خطبه ای خواند و فرمود: «فوالله ما غزی قوم فی عقر دارهم إلا ذلوا (نهج البلاغه: خطبه ۲۷)؛ به خدا سوگند هر ملتی که درون خانه خود مورد هجوم قرار گیرد، ذلیل خواهد شد».

پیامبر صلی الله علیه و آله، آموزگار علی علیه السلام، به خوبی با این تاکتیک آشنا بود. پس از تثبیت حکومت اسلامی در مدینه و چند دفاع جانانه از کیان اسلام در جنگهای بدر، احد و احزاب، شیوه تهاجم بر دشمنان و تاختن به قرارگاههای آنان را پیشه کرد. نیمی از غزوه های پیامبر صلی الله علیه و آله در دوران حکومت ده ساله ایشان و تقریباً تمام سریه های آن حضرت، حالت تهاجمی داشته است. تنها در فاصله شوال سال پنجم پس از غزوه خندق (احزاب) - که با امدادهای غیبی و فداکاری امیر مؤمنان علیه السلام و کشته شدن عمرو بن عبدود به دست آن حضرت، مسلمانان پیروز شدند - تا شوال سال ششم هجری، حدود ۲۵ سریه برای سرکوب دشمنان عنود اعزام فرمود (آیتنی، ۱۳۶۹: ۳۹۵ و ۴۱۹-۴۵۶).^۲

۱. در پی این اتفاق عظیم، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «الآن نغزوه و لا یغزونا؛ اکنون ما به جنگ آنها می رویم و آنها به جنگ ما نمی روند».
۲. این سخن «الآن نغزوه و لا یغزونا» که پیامبر صلی الله علیه و آله آن را در جنگ خندق و به مناسبت فداکاری علی علیه السلام و کشته شدن عمرو بن عبدود فرمود، چون دیگر سخنان آن حضرت دارای جامعیت در خور توجه است. بر اثر ضربه امیر مؤمنان علیه السلام که برتر از عبادت ثقلین دانسته شد، امید مسلمانان افزون و دلهایشان محکم گشت و در طرف مقابل، مشرکان و کافران سراسیمه شدند و نگرانی و ترس بر دلهایشان سایه افکند. غرورشان در هم شکست و حالت هجومی خود را از دست دادند، ولی پیامبر صلی الله علیه و آله تهاجم خویش را بر یهودیان و مشرکان از قبایل گوناگون آغاز کرد و لشکر اسلام ناگهان بر سر کفار در سرزمینها و اوطانهایشان فرود می آمد.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، پیروز میدان نبرد و کامروا در اهداف عالی

امام سجاد علیه السلام در پی اشاره به سیره تبلیغی پیامبر صلی الله علیه و آله و تحمل رنجها از جمله هجرت آن حضرت با انگیزه عالی ارجمند نمودن دین خدا و پیروزی بر اهل کفر، به مسئله فتح و پیروزی و رسیدن به آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد دشمنان خدا خواسته بود و به انجام رسیدن آنچه درباره دوستان حق تدبیر کرده بود، اشاره می فرماید: «حتی استتب له ما حاول فی أعدائک و استتم له ما دبر فی أولیائک» (دعای ۲).

در فرازی دیگر از این دعا، پس از اشاره به سیره جنگی پیامبر صلی الله علیه و آله، می فرماید: «حتی ظهر أمرک و علت کلمتک و لو کره المشرکون؛ تا آنجا که امر و فرمان تو [یعنی شریعت] آشکار شد و کلمه توحید بلند گردید؛ هر چند مشرکان را ناپسند بود».

آری، باید گفت که خداوند کسی است که پیامبر خویش را تنها نمی گذارد؛ همچنان که فرموده است: «هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کلّه و لو کره المشرکون» (توبه/ ۳۳).

نتیجه گیری

در سالی که به تدبیر رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، به نام پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نامیده شده، شایسته است که با کاوشی در متون اصلی اسلام، قرآن، نهج البلاغه، صحیفه سجادیه و... با سیما و سیره آن حضرت آشنا شده و سپس چهره سرتاسر مهر و عطوفت و سیره کاملاً منطبق با فرد آن حضرت را به جهانیان شناساند.

در این نوشتار، نویسنده سعی کرد با بضاعت مزجات به معرفی سیمای آن حضرت و سیره تبلیغی و نظامی ایشان با تکیه بر سخنان یکی از فرزندان معصوم وی، حضرت سجاد علیه السلام بپردازد.

جایگاه رفیع پیامبر صلی الله علیه و آله در نگاه امام سجاد علیه السلام و توجه دادن انسانها به آن الگوی زیبایی و مهربانی است. امام سجاد علیه السلام این مهم را با نثار درودهای پیاپی بر او، یاد کرد او به عنوان امام رحمت، امین وحی، آخرین فرستاده آفریدگار بر جهان، و مفتخر به بندگی حضرت حق که بیان کننده سیمای متواضع و فروتن و از طرفی قاطع

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله است، در دورانی تاریک، به خوبی انجام می دهد.

آشنایی با سیره تبلیغی و نظامی آن حضرت، در زمانی که پیروان او باید در میدان جهاد فرهنگی و نظامی قدم به عرصه بگذارند و با استفاده از امدادهای غیبی، به رغم کمبودهای مادی، الگوی خوبی برای همه جهادگران محراب فرهنگ و جهاد و شهادت است.

داشتن انگیزه خالص و خیرخواهانه، برخورداری از محتوای والا، با شهامت به کام مشکلات رفتن و تضعیف روحی و روانی دشمنان بشریت، گوشه‌هایی از بایسته‌های یک جهادگر عرصه جهاد فرهنگی در اقتدا به پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله است. تکیه بر امداد غیبی و نهراستیدن از ترندهای دشمنان و استفاده از تاکتیک تهاجمی، راهی مهم برای حفظ عزت، عظمت و کرامت جامعه اسلامی و پیروان پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می باشد.

کتاب‌شناسی

- قرآن کریم، ترجمه الهی قمش‌ای.
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، چاپ چهارم، مشهد، به‌نشر، ۱۳۸۳.
- صحیفه سجاده، ترجمه فیض الاسلام، تهران، ۱۳۷۵ ق.
- آیتی، محمدابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام محمد، چاپ پنجم، تهران، انتشارات دانشگاه، ۱۳۶۹.
- ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۵ ق.
- حسینی مدنی، سیدعلی خان، ریاض السالکین، چاپ چهارم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۵ ق.
- حکیمی، محمدرضا، امام در عینیت جامعه، تهران، فجر، ۱۳۵۶.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات، چاپ دوم، تهران، دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ ق.
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر، اساس البلاغه، تحقیق عبدالرحیم محمود، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، بی تا.
- شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، معانی الاخبار، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۱.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان، قم، اسماعیلیان، ۱۳۹۳ ق.
- طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال، تحقیق سیدمهدی رجایی، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۴ ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ترتیب کتاب العین، تحقیق محمدحسن بکائی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول الکافی، تصحیح محمدجعفر شمس‌الدین، بیروت، دار التعارف، ۱۴۱۱ ق.
- گروهی از نویسندگان، محمد خاتم پیامبران، تهران، حسینیه ارشاد، ۱۳۴۷.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تهران، دار الکتب الاسلامیه، بی تا.
- مطهری، مرتضی، ختم نبوت، مشهد، انتشارات طوس، ۱۳۵۴.
- همو، یادداشتها، تهران، صدرا، ۱۳۸۳.
- معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶.